

Theoretical Explanation of The Relationship between Political Organization of Space and Spatial Justice

ABSTRACT

The political organization of any country is done in the form of civil divisions. Civil divisions of the country are a process in which the land is limited by borders and every government needs political division of space to better manage the land and facilitate services, create development and create a spatial justice in the country. Spatial justice through the mechanism of spatial organization or spatial planning leads to the balanced development of place and geographical space and provides citizens with satisfaction and trust in the management structure and the relevant political system, thus preventing the formation of mentality of being secondary citizenship among people. In this research, which is of a fundamental type, the required information is collected using the library method, and then this issue will be investigated using a descriptive-analytic method. The research question is that: "what relation do exist between the political organization of space and spatial justice?" The findings show that the main principles and criteria of political organization of space can be categorized into issues such as increasing the sense of satisfaction, ease of access to services and creating equal opportunities for citizens and regions. Since spatial justice as an output seeks the relative equality of power, opportunity and wealth in order to gain maximum benefits commensurate with the capacity to enhance the dignity of citizens, and also the principles and approaches of political organization of space and spatial justice show this issue, it can be claimed that interactive relation is between political organization of space and spatial justice.

Keywords: Space, Justice, Political Organization of Space, Spatial Justice.

تبیین نظری رابطه سازماندهی سیاسی فضا و عدالت فضایی

مصطفی قادری حاجت* Ph.D.

استادیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

دکتر زهرا احمدی پور Ph.D.

استاد تمام گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

محمدرضا ملکشاهی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، رشته جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

چکیده

سازماندهی سیاسی هر کشوری در قالب تقسیمات کشوری انجام می‌شود، تقسیمات کشوری فرایندی است که سرزمین توسط مرزها محدود شده و هر حکومت برای اداره بهتر سرزمین و سهولت در خدمات رسانی ایجاد توسعه و ایجاد یک عدالت فضایی در کشور نیازمند تقسیم بندی سیاسی فضا می‌باشد. عدالت فضایی از طریق ساز و کار سازماندهی فضا یا برنامه ریزی فضایی، به توسعه متوازن مکان و فضای جغرافیایی منجر شده و موجبات رضایت شهروندان و اعتماد آنها را به سازه مدیریت و سیستم سیاسی مربوطه را فراهم کرده در نتیجه از شکل گیری ذهنیت درجه دو و سه و یا اجحاف ملی در بین آنها تا حد زیادی جلوگیری می‌کند. در این پژوهش که از نوع بنیادی است با استفاده از روش کتابخانه‌ای اطلاعات مورد نیاز جمع آوری می‌شوند و سپس با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی این مسئله پرداخته خواهد شد که سازماندهی سیاسی فضا رابطه‌ای با عدالت فضایی دارد؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که اصول و معیارهای اصلی سازماندهی سیاسی فضا را می‌توان در مباحثی چون افزایش احساس رضایت، سهولت در دسترسی به خدمات و خلق فرصت‌های برابر شهروندان و نواحی دسته بندی کرد. از آنجایی که عدالت فضایی به‌عنوان یک خروجی در پی برابری نسبی قدرت، فرصت و ثروت در راستای کسب حداکثر مزیت‌ها متناسب با ظرفیت‌ها در راستای ارتقای منزلت شهروندان است. با نظر داشتن اصول و رویکردهای سازماندهی سیاسی فضا و عدالت فضایی می‌توان ادعا کرد که ارتباط آنها از نوع تعاملی است.

کلمات کلیدی: فضا، عدالت، سازماندهی سیاسی فضا، عدالت فضایی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۱۶

نویسنده مسئول: m.ghaderihajat@modares.ac.ir

مقدمه

یکی از مسائل مهم در حوزه مدیریت و سیاست گذاری داخلی هر کشور، چگونگی سازمان دهی سیاسی فضا است. تقسیمات کشوری از ضروری ترین مسایلی است که یک کشور در حال توسعه برای انجام برنامه ریزی‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اداری بهتر و بهره برداری بیشتر باید به آن توجه کند و هدف کلی تقسیمات کشوری تهیه چهارچوب و بستری مناسب برای تداوم امنیت ملی، بقای ملی و تسهیل توسعه متوازن منطقه‌ای است [۲۴]. سطوح منطقه‌ای و محلی به‌عنوان سطحی از فضای مدیریت و اجرای سیاست‌های توسعه‌ای همواره مورد توجه محافل علمی، سیاستگذاری و اجرایی بوده است. از دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ توسعه منطقه‌ای و محلی به‌عنوان فعالیتی مهم، هم در سطح ملی و هم در سطح دولت‌های محلی و منطقه‌ای در سراسر جهان به‌طور روزافزونی مورد توجه قرار گرفته است [۱۸]. مدیریت و سازماندهی سیاسی فضای هر کشوری در قالب تقسیمات کشوری و تعیین حوزه‌های عملکردی ویژه به اجرا درمی‌آید [۱]. سازماندهی فضایی ناظر بر تخصیص و توزیع فضایی پدیده‌هایی همانند: جمعیت، فعالیت‌ها، گره‌گاه‌ها و غیره است. در این میان توزیع فضایی قدرت یا سازماندهی سیاسی به مفهوم تخصیص، چیش و تثبیت عوامل و عناصر موثر در سازماندهی قدرت در گستره فضایی یک واحد یا ناحیه سیاسی برای ارائه خدمات بهینه به شهروندان و مدیریت امور ساکنان محدوده مرزهای سرزمینی است. هدف از طرح مفهوم توزیع بهینه جغرافیایی یا همان سازماندهی فضایی، رسیدن به بهترین شکل و سازمان در قالب توزیع جمعیت، فعالیت و خلق ساختار فضایی است که سبب تعادل فضایی شود [۸]. از دیگر اهداف سازماندهی سیاسی فضا می‌توان به: ۱- توزیع منطقی و ممکن فعالیت، رفاه، خدمات، جمعیت و منابع به منظور برقراری پیوندهای مکمل و متقابل و نیل به فرصت‌های برابر و متوازن بین مناطق؛ ۲- اداره بهینه سرزمین کشور از حیث برنامه ریزی و اجرا در سطح بخشی و آمایشی؛ ۳- سازماندهی بهینه و متوازن مناطق سیاسی به‌ویژه مرکزیت‌های آن، مبتنی بر ساختار سلسله مراتبی و انتشار آن در گستره فضای جغرافیایی کشور؛ ۴- ساماندهی بهینه اداره

عمل کنند که احاد جامعه از امکانات متناسبی برای رشد و نقش آفرینی موثر برخوردار شوند. متاثر از شرایط مختلف برخی مناطق از سرعت بیشتری در رشد و توسعه برخوردار می‌شوند. همین سرعت متفاوت آهنگ رشد کمی و کیفی شاخص‌های توسعه تفاوت‌های منطقه‌ای و عدم تعادل‌های مکانی را سبب می‌شود. در این راستا دولت‌ها به منظور جلوگیری از عدم تعادل‌ها اقداماتی را در راستای نیل به رشد و توسعه متوازن و برقراری عدالت فضایی پیگیری می‌کنند. یکی از این اقدامات سازماندهی یا مدیریت سیاسی فضا در چارچوب نظام تقسیمات کشوری است. در این راستا آنچه ضروری به نظر می‌رسد تبیین نظری رابطه سازماندهی سیاسی فضا و عدالت فضایی از منظر چگونگی ارتباط و نوع ارتباط به واسطه شاخص‌ها و رویکردها است. در این راستا کانون توجه پژوهش حاضر را شناسایی و ترسیم چارچوب مفهومی رابطه سازماندهی سیاسی فضا و عدالت فضایی کرده است.

روش تحقیق

این مقاله با رویکرد نظری و ماهیت بنیادی و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای درصدد تبیین نظری رابطه سازماندهی سیاسی فضا و عدالت فضایی می‌باشد.

پیشینه پژوهش

حواشی و نواحی مرزی در نظام سازماندهی سیاسی؛ ۵- ایجاد توازن بین جمعیت، فضا و منابع اشاره کرد [۲]. در واقع هدف کلی تقسیمات کشوری تهیه چهارچوب و بستری مناسب برای تداوم بقای ملی، امنیت ملی و تسهیل توسعه متوازن منطقه‌ای است [۲۴]. به‌طور کلی هدف مهم از سازماندهی سیاسی فضا ایجاد توسعه و عدالت فضایی می‌باشد. عدالت فضایی کمک شایانی به توزیع بهینه امکانات و خدمات مورد نیاز شهروندان می‌کند، به طوری که همه شهروندان دسترسی مناسبی به این تسهیلات داشته باشند این شرایط به دلیل تامین مناسب نیاز شهروندان و جلوگیری از تحرک و جابه جایی بی مورد آنان، خود به خود سبب صرفه جویی در وقت و هزینه شهروندان می‌شود که این امر لزوم پایداری را فراهم می‌کند [۱۱]. عدالت فضایی در صورتی محقق می‌شود که سازماندهی فضا و تخصیص منابع آن براساس اصول برابری و احترام به حقوق بشر باشد. تبدیل سطوح سیاسی در مناطقی می‌تواند منجر به توسعه شود که اولاً آن منطقه پتانسیل‌ها و استعدادهای لازم را جهت ارتقا داشته باشد و ثانیاً ارتقای سطوح سیاسی مبتنی بر تمرکززدایی و قوی‌تر ساختن واحدها از طریق اعطای قدرت تصمیم‌گیری و برنامه ریزی به آنها در جهت رفع نیازها، ایفای یک نقش مهمتر و توسعه آنها باشد [۱]. مردم در تمام دنیا توقع دارند که دولت‌ها و سیستم برنامه ریزی در جهت اداره و سامان جامعه به گونه‌ای

جدول ۱: پیشینه پژوهش

ردیف	نوع تحقیق	مؤلف/ مؤلفان	عنوان	سال	هدف تحقیق	روش و نتایج
۱	مقاله	زهرا احمدی پور و دیگران	بررسی نقش تقسیمات کشوری در توسعه ناحیه‌ای (مطالعه موردی: شهرستان‌های بوانات و خرم بید)	۱۳۹۵	به روش توصیفی-تحلیلی بوده و به صورت طرح ماقبل و مابعد با پانل گذشته نگر می‌باشد.	عنوان کردند که اصولاً نمی‌توان گفت ارتقای سطح سیاسی در همه نواحی راه حل توسعه است. ارتقای سطوح سیاسی در مناطقی می‌تواند منجر به توسعه شود که اولاً آن منطقه پتانسیل‌ها و استعدادهای لازم را جهت ارتقا داشته باشد و ثانیاً ارتقای سطوح سیاسی مبتنی بر تمرکززدایی و قویتر ساختن واحدها از طریق اعطای قدرت تصمیم‌گیری و برنامه ریزی به آنها در جهت رفع نیازها، ایفای یک نقش مهمتر و توسعه آنها باشد.

۲	مقاله	مصطفی قادری حاجت	تبیین نقش عدالت فضایی/ جغرافیایی در ارزیابی مدیریت سیاسی بهینه فضا	۱۴۰۰	به روش توصیفی و تحلیلی	واقعیت این است که تا یک اجماع کلی در خصوص ارزیابی حکمرانی سامان سیاسی فضایی حاصل نشود، نمی‌توان درصدد الگوسازی حکمرانی بهینه سیاسی فضا اقدام کرد. بر همین مبنا، عدالت فضایی/ جغرافیایی به‌عنوان سنگ محک معتبری برای ارزیابی بهینه مدیریت سیاسی فضا به حساب می‌آید
---	-------	------------------------	---	------	------------------------------	---

چارچوب نظری

۱. فضا

نخستین تعریف فضا توسط استرابو ارائه شده که از آن به‌عنوان اکومن یاد کرده است. یعنی فضایی که انسان در آن زندگی می‌کند [۲۸]. واژه «فضا» از واژه‌ی *Spatium* که در زبان لاتین کلاسیک به معنی فاصله یا امتداد بوده، گرفته شده است. همچنین به معنای فاصله‌ی ثابتی همچون مسیر مسابقه بوده است. — یک *Spatium* یا یک دوره، یک دور در مسابقه ارباب رانی بوده. در اواخر قرون وسطی برخی از نویسندگان از فضا همچون چیزی شبیه به یک ظرف یا همچون مترادفی برای معنای خاصی از جایگاه یا مکان استفاده می‌کردند. برای نویسندگان بعدی همچون دکارت چیزی که فضا، یا *Spatium* را تعریف می‌کرد، بسط — یا امتدادش — در سه بعد بود؛ طول، عرض و عمق [۳۰]. ایمانوئل کانت، فضا را به‌عنوان «نوعی قالب چیزها و رخدادها» در نظر می‌گیرد: یعنی فضای مطلق؛ فضایی که یک مظهر (کانتینر) مطلق درخود است. فضای مطلق در اصل مبین وضعیتی است که در آن فضا مستقل از هر شی یا رابطه‌ای معین وجود دارد [۱۶].

هانری لوفور از دهه ۱۹۳۰ تحقیقات زیادی در مورد فضا و تولید فضا انجام داد. از نظر وی فضا یک ابژه علمی نیست که از ایدئولوژی و سیاست بریده شده باشد؛ بلکه همواره استراتژیک و سیاسی بوده است. اگر فضا با توجه به محتویاتش حال و هوای بی‌طرفی و بی‌تفاوتی دارد و در نتیجه به نظر می‌رسد که صرفاً فرمال است و فشرده‌ای از انتزاع منطقی، دقیقاً به این دلیل است که اشغال شده و مورد استفاده قرار گرفته است و پیشاپیش محل همگرایی فرآیندهایی از گذشته بوده که رد پای آنها همیشه در چشم انداز آشکار نیست. فضا از عناصر تاریخی و طبیعی سرشته شده و شکل گرفته، اما این یک فرآیند سیاسی بوده است. فضای

سیاسی و ایدئولوژیک محصولی است که به معنای واقعی کلمه، انباشته از ایدئولوژی است [۱۷].

دیوید هاروی، فضا را به‌عنوان یک رابطه معنی‌دار تلقی می‌کند که نمی‌تواند مستقل از وضعیت افراد و شرایط محیطی آنها شناسایی و درک شود. او فضا را محصول مجموعه احساسات، تصورات و واکنش‌های فرد نسبت به نمادگرایی فضایی موجود در محیط می‌داند [۲۸].

هاروی در کتاب تبیین در جغرافیا دسته‌بندی سه‌گانه‌ای در جهت فهم فضا ارائه داده است:

اگر فضا را مطلق در نظر بگیریم، «شی فی نفسه» ای می‌شود با وجودی مستقل از ماده. در این صورت دارای ساختاری است که براساس آن می‌توان پدیده‌ها را جای‌گذاری و متعین کرد. دیدگاه فضای نسبی می‌گوید که فضا به مثابه ربط میان اشیائی فهمیده می‌شود که صرفاً به این دلیل وجود دارند که اشیا وجود دارند و با یکدیگر نسبت/ رابطه دارند. برداشتی دیگر نیز هست که در آن فضا نسبی دیده می‌شود که من آن را فضای رابطه‌ای می‌نامم — فضا بنا به نظر لایبنیتز که می‌گوید فضا اشیا را در بر می‌گیرد به این معنا که می‌توان گفت یک شی فقط تا جایی وجود دارد که درون خودش واجد و بیانگر روابطی با دیگر اشیا باشد [۲۹].

بنابراین می‌توان این گونه استنباط نمود که فضا یک مفهوم نسبی و مبهم است که مرزهای تحلیل آن نامحدود است. فضا گستره‌ای است سرشار از معانی، نمادها و نشانه‌های گوناگون. فضا در کنار مفهوم زمان نقش فوق‌العاده مهمی در حوزه‌ی انسان‌شناسی ایفا می‌کند. از سویی فضا مفهومی جغرافیایی است که در فرجام کنش بازیگران اجتماعی با مکان‌های مختلف جغرافیایی و در قلمرو حیات جمعی شکل و در برگیرنده تمامی عرصه‌های حیات انسانی است [۳۵]. بر این پایه فضای جغرافیایی واقعیتی سه بعدی و متشکل از طول، عرض و ارتفاع است که

قلمرو زیست و بالندگی، پویا و حرکت ابنای بشر و موجودات زنده و در مجموع اکوسیستم جغرافیایی را تشکیل می‌دهد [۸].

۲. عدالت

عدالت مفهومی است که بشر از آغاز تاریخ و تمدن خویش با آن آشنا بوده و در جهت تحقق آن کوشیده است. عدالت ضمن اینکه از مقبولیت و محبوبیت فراوانی در نزد مردم، دانشمندان و سیاستمداران جوامع مختلف برخوردار است، در تعریف، تبیین و اجرای آن، برداشتها و ادراکات و عملکردهای متفاوت و گاهی متناقضی وجود داشته است [۶]. از واژه عدالت در کتابهای لغت، معنای متعددی ذکر شده است؛ که مهمترین آنها، تساوی، مساوات، درستی و حقانیت است. به عنوان نمونه راغب اصفهانی می‌نویسد: عدل تقسیم کردن به طور مساوی است. ابن منظور نیز در کتاب لسان العرب، عدل را به درستی و حقانیت معنا کرده و آن را در برابر جور و ظلم قرار می‌دهد. مفهوم عدالت از کلمه عدل و به معنای «نهادن هر چیزی در جای خودش است»، یا حد متوسط میان افراط و تفریط در هریک از قوی است ولی عدالت به معنی دادگری و انصاف داشتن و عدالت اجتماعی به مفهوم عدالتی است که همه‌ی افراد جامعه از آن برخوردار باشند [۲۶].

براساس شرایط خاص زمان و مکان و نیز نگرش‌های مختلف فلسفی و جهان بینی تعاریف مختلفی از عدالت ارائه شده است. در آیین زرتشتی، اهورا مزدا جهان را براساس عدالت ایجاد کرده و در کمتر بندی از گات‌ها وجود دارد که به قانون اشا (عدالت) اشاره نکرده باشد. در سنگ نوشته‌های ایران باستان به ویژه در دوران هخامنشی و از جمله در کتیبه‌های داریوش، عدالت بارها مطرح شده است [۴]. عدالت مفهومی است که هیچگاه دغدغه بشر از آن خالی نبوده است. در طول تاریخ همواره متفکران و اندیشمندان سعی کرده‌اند تا تعریفی از عدالت ارائه دهند و به تشریح ابعاد و الزامات آن بپردازند. افلاطون فیلسوف بزرگ یونانی در کتاب «جمهوریت» تعاریفی از عدالت ارائه کرده است و عدالت را آرمانی می‌داند که تنها تربیت یافتگان دامن فلسفه به آن دسترسی دارند و به یاری تجربه و حس نمی‌توان به آن رسید. عدالت اجتماعی در صورتی برقرار می‌شود که هرکس به کاری دست زند که شایستگی و استعداد آن را دارد و از مداخله در کار دیگران بپرهیزد [۲۳]. «ارسطو، عدالت را اعطای حق به سزاوار

آن می‌داند یا به عبارتی دیگر عدالت فضیلتی است که به موجب آن باید به هرکس آنچه را که حق اوست، داد.» [۲۳]

فیثاغورث متأثر از زرتشت و پارسیان از قانون الهی برتری به نام عدالت سخن می‌گوید که قوانین بشری باید براساس آن شکل گیرند [۲۳]. با پیدایش اقتصاد سیاسی یا علم اقتصاد، در قرن هجدهم میلادی بحث یافتن راه عادلانه از عرصه اخلاق به حوزه علم پا نهاد. اقتصاد سیاسی به عنوان علم تولید، مبادله و توزیع محصولات اجتماعی و تخصیص بهینه منابع این امکان را فراهم آورد که نظریه‌ها و برنامه‌های اجتماعی از اصول علمی برای تعریف و ارائه راه عادلانه برقراری عدالت بهره گیرند [۳].

در طول بیش از دو قرن گذشته، مبنای فکری نظام سرمایه داری و سیستم عرضه و تقاضا براساس نظریه مطلوبیت و فایده گرایی "جرمی بنتام" فیلسوف انگلیسی استوار شده و خیر عمومی برای طرفداران اقتصاد بازار نیز با همین اصل مطلوبیت و فایده گرایی توجیه می‌شد. در مقابل این رویکرد مخالفان نظام سرمایه داری نیز، گسترش فقر و تبعیض و له شدن ارزش‌های انسانی زیر چرخ‌های تولید رقابتی را به عنوان عوارض برآمده از سلطه چنین سیستمی به باد انتقاد گرفته و آن را در تضاد با معیار اخلاقی عدالت و بهره کشی از دیگران برتنبایدند. تعارض و چالش این دو مکتب فکری و اقتصادی در درازای قرون ۱۹ و ۲۰ تداوم داشت. تا اینکه "جان رالز" فیلسوف سیاسی و اخلاقی معاصر آمریکایی با نوشتن کتابی تحت عنوان «نظریه‌ای در باب عدالت» به سازگار نمودن این دو دیدگاه اقتصادی مبادرت کرد [۲۰]. رالز هدف اندیشه را دستیابی به حقیقت و هدف نهادهای اجتماعی را نبیل به عدالت می‌داند. عدالت چهارچوبی است که در آن افراد مختلف فرصت می‌یابند به هدف‌هایشان نائل یابند. وی کارآیی را با عدالت قرین می‌داند. دیدگاه رالز معطوف به حذف امتیازات بی وجه و ایجاد تعادل واقعی میان خواسته‌های متعارض انسان‌ها است [۲۱].

از آغاز قرن بیست و یکم موضوع عدالت در نزد متفکرین جریان اصلی حوزه برنامه ریزی بسیار داغ و پرشور در جریان بوده است چرا که برنامه ریزی خصوصا در دنیای معاصر عمیقا به عدالت مرتبط است و تعمق درباره موضوعات مرتبط با برنامه ریزی عدالت محور ضروری به نظر می‌رسد [۱۲].

۳. سازماندهی سیاسی فضا

سازماندهی سیاسی فضا اگر ضروری ترین بحث دولت‌های مدرن نباشد بدون شک یکی از حساس‌ترین و مهمترین مباحث آنها می‌باشد که عوامل سیاسی و اجتماعی، تاریخ و فرهنگ یک جامعه را به کمک می‌طلبند. مبحث سازماندهی سیاسی فضا تا بدان حد دارای اهمیت است که به‌عنوان شاخصی برای گونه شناسی نظام‌های حکومتی نیز به کار می‌رود. بنابراین می‌توان گفت سازماندهی سیاسی فضا، تقسیم بندی یک پهنه سرزمینی براساس عوامل و محدوده‌های همگن اقتصادی، سیاسی، محیطی، اجتماعی و اداری به منظور مدیریت و اداره پهنه سرزمین و بهره برداری منطقی و مطلوب از منابع در راستای برقراری توسعه پایدار و به منظور ایفای نقش سیاسی می‌باشد [۲]. در واقع سازماندهی سیاسی فضا مرزبندی برای ارائه هر چه بهتر امکانات، تسهیلات، خدمات عمومی (بهداشت، امنیت، آموزش، امکانات رفاهی، انرژی و...)، اداره عمومی کشور و نهایتاً تسهیل اعمال حاکمیت دولت‌ها می‌باشد [۲۷]. از نظر ادوارد سوگا سازماندهی سیاسی فضا روشی است که در آن تعامل فضا و انسان در فضا به منظور واقعیت بخشیدن به فعالیت‌های سیاسی، سازمان یافته است [۳۱]. سازماندهی سیاسی فضا دارای نقش موثری در چگونگی توسعه و پیشرفت کشورها است و حکومت‌ها به تقسیم بندی فضای قلمرو خود به شکل مناسب جدیت خاصی دارند [۱۸]. در این راستا سازماندهی سیاسی فضا از مهمترین مسائلی است که یک کشور در حال توسعه باید برای انجام برنامه ریزی‌های اجتماعی و اقتصادی و اداره بهتر سرزمین و بهره برداری بیشتر به آن توجه کند. مادامی که سازماندهی صحیحی نداشته باشیم بازده هرگونه برنامه ریزی در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی ناچیز و احتمالاً مغشوش خواهد بود [۱۵]. سازماندهی سیاسی فضای داخلی یک کشور به نوعی دارای خصلت سیاسی بوده و این نواحی دارای برخی ویژگی‌های مشترک با دولت ملی و کشور مستقل هستند. مناطق سیاسی درونی کشورها مانند کشورها که دارای مردم، سرزمین، حکومت و حاکمیت به رسمیت شناخته شده هستند نیز دارای قلمرو سرزمینی، مردم و ساکنان مشخص و سازمان سیاسی- اداری می‌باشند؛ ولی تمایز آنها با دولت ملی این است که اولاً سازمان سیاسی- اداری آنها زیر مجموعه سطح ملی می‌باشد و دوم این که دارای استقلال نبوده و

کشورهای دیگر آنها را به‌عنوان کشور، به رسمیت نمی‌شناسند. همچنین سطح قدرت و اختیارات نواحی سیاسی درونی کشورها وابسته به نوع نظام سیاسی حاکم بر کشورها می‌باشد [۲] و مهمترین هدف از سازماندهی سیاسی فضا در هر کشور در درجه اول ارائه پهنه خدمات به حداکثر شهروندان و در مرحله بعد اداره و کنترل افرادی است که در چارچوب مرزهای سرزمینی زندگی می‌کنند. در کشورهایی که نواحی درون کشور دارای عدم تجانس فرهنگی است و این فرهنگ‌ها خواسته‌های متفاوتی دارند، سعی می‌شود تا حد امکان مرزهای نواحی کارکردی را بر مرزهای نواحی فرهنگی منطبق سازند [۵].

۴. عدالت فضایی

فضا یک بعد اساسی و بنیادی در جامعه انسانی است و عدالت اجتماعی با جاری شدن در فضا عینیت می‌یابد. درک ارتباط متقابل بین فضا و جامعه در فهم عدالت فضایی ضرورتی اجتناب ناپذیر است و بازتاب دادن آن در سیاست‌ها و نظام برنامه ریزی به افزایش ضریب تاثیر آن کمک می‌نماید. تفکر درباره‌ی فضا در سال‌های اخیر به‌طور معناداری از تاکید بر نقشه کشی یک نواخت که فضا را ظرف فعالیت‌های انسانی می‌دید و یا اینکه صرفاً ابعاد فیزیکی فضا را در فرم‌های ثابت در نظر می‌گرفت، به سمت یک نیروی فعال و بنیادی در شکل دهی به زندگی مطلوب شهروندان تغییر جهت داده است [۷].

اصطلاح خاص «عدالت فضایی» تا چند دهه پیش کاربرد عمومی نداشته و حتی امروزه در میان جغرافیدانان و برنامه ریزان سعی در جلوگیری از کاربرد صفت فضایی برای جستجوی عدالت و دموکراسی در جوامع معاصر وجود دارد. اصولاً فضایی بودن عدالت یا نادیده گرفته می‌شود و یا در مفاهیم مرتبط دیگر مانند عدالت سرزمینی، عدالت زیست محیطی، بی عدالتی شهرنشینی و یا حتی در شهر عادل و جامعه عادل جذب می‌شود [۳۲].

عدالت فضایی قبل از هر چیز یک چارچوب تحلیلی است که نقش فضا - مجموعه‌ای از روابط مادی و ایدئولوژیک که براساس روابط اجتماعی عمل می‌کنند و در عین حال توسط روابط اجتماعی شکل می‌گیرند - در ایجاد عدالت و بی عدالتی را مطرح می‌کند [۳۴].

در وجه ساختاری عدالت فضایی در یک رویکرد فلسفی متأثر از چارچوب فلسفی رئالیسم انتقادی، تفکر سیستمی و تولید فضا توجه اساسی خود را بر بنیان‌های تولید و بازتولید فضا در مقیاس‌های خرد و کلان متمرکز کرده است. در چنین قالبی آنچه بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد نقش اساسی سیستم‌ها، فرایندها و رویه‌ها در توزیع سه گانه فرصت، ثروت و قدرت است [۱۱].

یافته‌ها

معیارها و اصول سازماندهی سیاسی فضا

اصل تسهیل خدمات رسانی و تامین نیازهای ساکنان مقیم در ناحیه سیاسی و جغرافیایی؛

دسترسی سریع و کم هزینه به مرکز خدمات یا کانون ناحیه سیاسی در مقیاس مورد نظر؛

رضایت مندی سکنه فضای جغرافیایی از الگوی قالب گیری سیاسی و فضایی؛

فراهم سازی شرایط مساعد برای مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود، چه در سطح ملی و چه در سطح محلی و تامین آرمان و خواست سیاسی مردم از طریق انتخابات عمومی؛

واگذاری امور محلی به مردم و نهادهای محلی و توسعه اقتدار آن‌ها در هر دو بعد نهادهای مردی و دولتی؛

وحدت، وفاق و وفاداری ملی و یکپارچگی سیاسی- فضایی؛

یکپارچگی و وحدت سازمانی و اداری در تعامل بخش دولتی و مردمی در یک نظام ذو مراتب از سطح ملی تا سطح محلی؛

پویایی و نقش آفرینی نواحی و مناطق در الگوی کارکردهای سطح ملی و در چهارچوب رقابت سازنده میان مناطق؛

تعامل سازنده میان نواحی و مناطق و مکمل بودن آن‌ها برای یکدیگر؛

تمرکز در سیاست گذاری‌های کلان و امور ملی و عدم تمرکز در سیاست‌ها و تصمیم گیری‌های مربوط به امور منطقه‌ای و محلی؛

تناظر و تشابه نهادهای حکومتی و اداری در تمامی سطوح سلسله مراتب سیاسی فضا؛

اصل پیوستگی، انسجام و انطباق سطوح متناظر در ابعاد چهارگانه: (۱) قانون‌های سیاسی؛ (۲) نظام فرمانروایی و سیاست گذاری؛ (۳) نواحی سیاسی مقیاس‌های فضایی؛ (۴) نظام سازمانی و مدیریت

مفهوم عدالت فضایی از مفهوم سازی عدالت اجتماعی در فضا سرچشمه می‌گیرد. عدالت فضایی به «عدالت در فضای فیزیکی» گفته می‌شود تا توزیع عادلانه منابع فضایی را در داخل و بین فضاهای جغرافیایی از واحدهای مسکونی، روستاها، شهرها، مناطق، کشورها، و قاره‌ها تا کل جهان نشان دهد.

از یک گفتمان عدالت اجتماعی، عدالت فضایی مستلزم احترام به حقوق اساسی بشر برای همه افراد در یک جامعه است. همچنین مستلزم ارتقای توسعه فضایی فراگیر به منظور کاهش نابرابری‌های اقتصادی و قطبی‌سازی اجتماعی است که ناشی از نئولیبرالیزه‌سازی توسعه شهری است. دستیابی عدالت فضایی در صورتی محقق می‌شود که سازماندهی فضا و تخصیص منابع آن براساس اصول برابری و احترام به حقوق بشر باشد اما عدالت فضایی جایگزین عدالت اجتماعی نیست بلکه شکلی از عدالت است که مبتنی بر رعایت اصول عدالت اجتماعی در تخصیص منابع طبیعی است. همچنین شامل توسعه و اجرای قوانین توسعه فضایی است که گزینه‌ها یا فرصت‌هایی را برای استفاده از آن منابع برای همه دسته‌های مردم فراهم می‌کند [۳۳].

به بیانی عدالت فضایی، توزیع عادلانه و دموکراتیک منافع و مسئولیت‌های اجتماعی در فضا با مقیاس‌های مختلف است [۱۳]. عدالت فضایی در کلیتی فراگیر به رعایت حقوق برابر همه انسان‌ها یا بازیگران اجتماعی، حفظ و پاسداری از کرامت انسانی آنها، تامین نیازهای اولیه زندگی و عزت نفس اجتماعی آن‌ها اشاره دارد [۱۰].

در عدالت فضایی با دو رویکرد اصلی روبه رو هستیم: ۱- توزیع فضایی که بیشتر بر پایه پرسش‌هایی درباره توزیع فضایی و یا توزیع فضایی- اجتماعی و تلاش برای دستیابی به یک توزیع برابر جغرافیایی براساس نیازها و خواست شهروندان شکل گرفته است؛ ۲- فرایندهای ساختاری که هدف آن بررسی و ارزیابی فرایندهای شکل دهنده به فضا است [۱۳]. با این تفسیر عدالت فضایی در وجه توزیعی خود بر بنیان بررسی و مقایسه مناطق و نواحی و مکان‌ها از منظر برخورداری از زیربنای اساسی زیست در ابعاد مختلف آموزشی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، امنیتی، کالبدی و بهداشتی متأثر از سه گانه فرصت، ثروت و قدرت است.

امور عمومی که همگی اجزا و عناصر تفکیک ناپذیر ساختار ایجاد چهارچوب فضایی مناسب برای تقسیم کار ملی و تنظیم روابط منطقی بین اموری که ماهیت و سرشتی ملی و عمومی دارند و اموری که ماهیت آنها محلی و ناحیه‌ای است [۹].

۲. شاخص‌های سازماندهی سیاسی فضا

جدول ۲: فهرست شاخص‌های درجه بندی سطوح و واحدهای تقسیمات کشوری

شاخص	گروه شاخص	
سرانه برخورداری از آب آشامیدنی سالم	آب	پایداری محیط زیست
نسبت روزهای با آلودگی بر حسب استاندارد	هوا	
زمین‌های تحت تاثیر بیابان زدایی	خاک	
مناطق مرطوب	وضعیت اکولوژیک	
مناطق خشک		
مناطق بیابانی		
توان اکولوژیکی و تاب آوری		
کوهستانی	ناهمواری	
کوهپایه‌ای		
دشتی		
امکان توسعه منابع آب (تعداد دشت)	منابع آب	
پایداری تعادل عرضه و تقاضای منابع آب (تنش آبی)		
پساب تصفیه شده به کل پساب (صنعتی و غیر صنعتی)		
وجود پارک‌های حفاظت شده	مناطق حفاظت شده	
مناطق حفاظت شده		
پناهگاه‌های حیات وحش		
آثار طبیعی ملی		
نرخ رشد اراضی جنگلی	جنگل ها	
درصد بازیافت پسماند	مدیریت پسماند	
درصد اشتغال در بخش کشاورزی	اجتماعی	اجتماعی و فرهنگی
درصد اشتغال در بخش خدماتی		
درصد اشتغال در بخش صنعت و معدن		
درصد اشتغال زنان		
تعداد سازمان‌های مردم نهاد		
خانه بهداشت	پارا کلینیکی	
درمانگاه		
سرانه تخت بیمارستان عمومی		
پزشک عمومی		
رادیولوژی و تصویربرداری		
داروخانه		
آزمایشگاه		
سرانه دندانپزشک		

سرانه پزشک متخصص زنان و زایمان		
دامپزشکی		
کلینیک و بیمارستان حیوانات		
سرانه کتابخانه	کتابخانه‌ها	
سرانه سینما	سینما و سالن‌ها نمایش	
سرانه سالن تئاتر		
فرهنگسرا	مراکز فرهنگی و هنری	
اثر ثبت ملی	میراث فرهنگی	
اثر ثبت جهانی		
موزه		
دریاچه‌ها، برکه‌ها، مرداب و چشمه‌های آب معدنی	جاذبه‌های گردشگری (تحت نظر سازمان جهانگردی)	
پیست‌های اسکی		
سرانه مراکز اقامتی	گردشگری و سرمایه گذاری	
مناطق نمونه گردشگری		
روستاهای هدف گردشگری		
سرانه فضای ورزشی	اماکن ورزشی	
پایگاه قهرمانی		
سرانه دسترسی به فضای آموزش ابتدایی	آموزش عمومی	
سرانه دسترسی به فضای آموزش متوسط		
مدارس استثنایی		
مراکز آموزش فنی و حرفه ای	آموزش عالی	
دانشگاه		
حوزه علمیه	آموزش حوزوی	
درصد باسوادی	وضعیت سواد	
در صد باسوادی زنان		
درصد سطح زیر کشت محصولات	کشاورزی	اقتصادی و زیربنایی
درصد اراضی زیر کشت دارای سیستم آبیاری مدرن		
تعداد واحدهای دامی		
تعداد قطعه طیور (یکسال)		
خاویار	شیلات	
میگو		
ماهی (انواع ماهی)		
تعداد معادن شناسایی شده	صنایع و معادن ثبتی فعال	
میزان استخراج سالانه معادن با ارزش افزوده		
تعداد کارگاه‌های صنعتی فعال		
ناحیه صنعتی روستایی		
شهرک صنعتی پارک‌های علم و فناوری		
شعب بانک، نمایندگی و بادجه بانک و صندوق قرض الحسنه	اقتصاد و موسسه مالی و	
سهم ارزش افزوده استان در کشور		

مدیریتی و اداری	اعتباری	سهام استان در تولید ناخالص داخلی
		تعداد شرکت‌های تعاونی ثبتی موجود (فعال)
		منطقه آزاد تجاری - صنعتی
		منطقه ویژه اقتصادی
	راه	نسبت طول آزاد راه به سطح
		نسبت طول بزرگراه به سطح
		راه‌های آسفالته
		راه‌های شنی و شوسه
	راه آهن	نسبت طول خطوط ریلی به سطح
		ایستگاه راه آهن
	پایانه‌ها و گمرکات	بندرگاه
		جزایر
		گمرک
		بازارچه‌های مرزی
		فرودگاه
	انرژی	انبار سوخت
		پالایشگاه نفت، گاز و پتروشیمی
		جایگاه پمپ بنزین و گاز
		نیروگاه با توان تولید و صدور انرژی
		نیروگاه با توان تولید انرژی پاک
		شبکه توزیع آب
		شبکه توزیع برق
		شبکه توزیع نفت
		شبکه توزیع گاز
		سد مخزنی بتونی
		چاه‌های نفت و گاز در حال بهره برداری
	خدمات و ارتباطات	تعداد دفاتر پیشخوان دولت پلیس +۱۰
		تعداد دفاتر و نمایندگی‌های پستی (باجه واحد پستی)
		ضریب نفوذ تلفن همراه
		ضریب نفوذ اینترنت
پراکنش جغرافیایی	پراکنش جغرافیایی	فاصله تا مرکز کشور
		فاصله تا مرکز استان
		فاصله تا مرکز شهرستان
		فاصله تا مرکز بخش
		فاصله تا مرکز دهستان
		وسعت سطوح به کیلومتر مربع
		طول مرز بین المللی
		تعداد سطوح مرزی
		تعداد واحدهای مرزی
		تعداد روستا
	سکونتگاه‌ها	

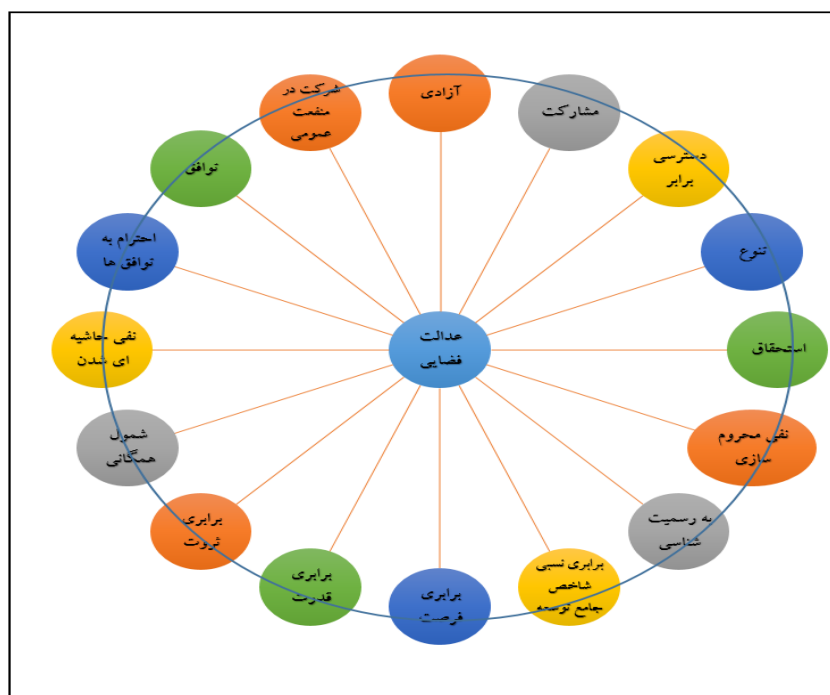
تعداد آبادی		
تعداد شهر		
تعداد جمعیت سطح		
20- سابقه تقسیمات کشوری	سابقه تقسیمات سیاسی	
20+ سابقه تقسیمات کشوری		
تعداد نهادهای انتظامی (تعداد واحد)	نیروهای مسلح	
تعداد نهادهای نظامی (تعداد واحد)		
زاغه مهمات		
درصد پیشرفت سیاست پیشگیری	پدافند غیرعامل	
درصد پیشرفت بازسازی و نوتوانی		
مدیریت بحران		
منطقه مقاومت بسیج		
تعداد ادارات دولتی	اداری - قضایی	
تعداد نهادهای عمومی		
تعداد نهادهای قضایی		

منبع: [۲۲]

۳. معیارهای عدالت فضایی

مهمترین معیارهای عدالت فضای را می‌توان در قالب شکل ذیل به نمایش گذاشت:

شکل ۱: معیارهای عدالت فضایی



منبع: [۱۴]

۴. ابعاد و مولفه‌های اصلی عدالت فضایی

با توجه به تعریف عدالت فضایی که عبارت بود از: برابری نسبی شاخص‌های توسعه جامع (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی،

فرهنگی، امنیتی، کالبدی و بهداشتی) در مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی (خرد و کلان) یک قلمرو، با شاخص‌های توسعه متناظر در سطح ملی و از آنجایی که کمی سازی آن مستلزم دستیابی به شاخص‌های سنجش پذیر است و با توجه به تبیین جایگاه توسعه در مقوله عدالت فضایی، ابعاد موثر در عدالت فضایی و شاخص‌های مربوطه که در برگیرنده ابعاد قابل سنجش توسعه در زمینه‌های مختلف است در قالب جدول ذیل صورت بندی می‌شوند:

جدول ۳: ابعاد و شاخص‌های موثر در عدالت فضایی

ابعاد	شاخص‌ها
اقتصادی	سرانه درآمد نواحی شهری، سرانه درآمد نواحی روستایی، سرانه هزینه خانوار نواحی شهری، سرانه هزینه خانوار نواحی روستایی، سرانه خط فقر نواحی شهری، سرانه خط فقر نواحی روستایی، سرانه بیکاری نواحی شهری، سرانه بیکاری نواحی روستایی، سرانه اشتغال مردان نواحی شهری، سرانه اشتغال مردان نواحی روستایی، سرانه اشتغال کل، سرانه بودجه سالیانه، سرانه مصرف برق صنعتی در هر منطقه (کیلووات ساعت)، سرانه کارگاه‌هایی با ۵۰۰-۱۰۰ نفر کارکن، سرانه کارگاه‌های بیش از ۵۰۰ نفر کارکن، سرانه استفاده از اعتبارات بانکی، سرانه عملکرد اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (عمرانی) استان‌ها، سرانه سرمایه‌گذاری (ارزش تغییرات اموال سرمایه‌ای) معادن در حال بهره‌برداری برحسب نوع اموال سرمایه‌ای، سرانه عملکرد اعتبارات هزینه‌ای (جاری) دستگاه‌های اجرایی در استان‌ها از محل درآمد عمومی، سرانه فرودگاه‌های در اختیار شرکت فرودگاه‌ها و در حال بهره‌برداری.
کالبدی	سرانه مساحت کاربری فضای سبز، سرانه مساحت کاربری شبکه ارتباطی، سرانه مساحت کاربری فضای آموزشی، سرانه مساحت کاربری فضای ورزشی، سرانه مساحت کاربری فضای خدماتی_تجاری، سرانه مساحت کاربری فضای فرهنگی و مذهبی، سرانه طول جاده‌ها، سرانه آب لوله کشی شده در نواحی شهری، سرانه آب لوله کشی شده در نواحی روستایی، سرانه روستاهای برخوردار از راه آسفالت، سرانه روستاهای دارای طرح هادی، سرانه خطوط تلفن ثابت.
اجتماعی	امید به زندگی، شاخص مرگ و میر کودکان زیر پنج سال، درصد شهرنشینی، سرانه مهاجران وارد شده طی ۱۰ سال گذشته، سرانه پرونده‌های قضایی مختومه، سرانه پرونده‌های قضایی مفتوحه، سرانه توریسم.
آموزشی	سرانه تعداد مدارس در نواحی شهری، سرانه تعداد مدارس در نواحی روستایی، سرانه معلم در نواحی شهری، سرانه معلم در نواحی روستایی، سرانه معلمان لیسانس و بالاتر در مقطع ابتدایی در نواحی شهری، سرانه معلمان لیسانس و بالاتر در مقطع ابتدایی در نواحی روستایی، سرانه هیات علمی، سرانه دانشجویان، سرانه دانشگاه‌ها، سرانه فارغ التحصیلان زن دانشگاهی، سرانه فارغ التحصیلان مرد دانشگاهی، سرانه فارغ التحصیلان تحصیلات تکمیلی، سرانه مراکز ثابت سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، سرانه مدارس شبانه روزی در مقطع راهنمایی، سرانه مدارس شبانه روزی در مقطع دبیرستان.
فرهنگی	سرانه باسوادی کل جمعیت، سرانه باسوادی زنان نسبت به کل جمعیت زنان، سرانه باسوادی مردان نسبت به کل جمعیت مردان، سرانه باسوادی در مناطق شهری به تفکیک زن و مرد، سرانه باسوادی در مناطق روستایی به تفکیک زن و مرد، سرانه مراکز فرهنگی، سرانه صندلی سینما.
سیاسی	سرانه نمایندگان مجلس شورای اسلامی استان‌ها، سرانه نمایندگان به جمعیت، سرانه احزاب رسمی نسبت به ۱۰۰۰۰ نفر، سرانه وزرای چهار کابینه اخیر در دو دولت نسبت به جمعیت، سرانه سازمان‌های غیر دولتی (NGO)، سرانه اعتراضات، سرانه حملات مسلحانه.
امنیتی	سرانه مجرمین در بند، سرانه قتل‌ها، سرانه تجاوز به عنف، سرانه گروگان گیری، سرانه آدم ربایی، سرانه مجرمین فراری، سرانه مجرمین مواد مخدر، سرانه معتادین به مواد مخدر، سرانه کشف مواد مخدر صنعتی و سنتی، سرانه مرگ و میر ناشی از خودکشی، سرانه مرگ و میر ناشی نزاع‌های خیابانی، سرانه مرگ و میر ناشی تصادفات جاده‌ای.
بهداشتی	سرانه بیمارستان، سرانه تخت بیمارستانی، سرانه پزشک عمومی، سرانه پزشک متخصص، سرانه روانپزشک، سرانه پرستار، سرانه ماما، سرانه آزمایشگاه، سرانه داروخانه، سرانه درمانگاه‌های شبانه روزی، سرانه میانگین سرعت خدمات اورژانس، سرانه روستاهای دارای مرکز بهداشت فعال، سرانه مراکز توانبخشی، سرانه برخورداری از خدمات بیمه تامین اجتماعی.

منبع: [۲۱]

نتیجه گیری

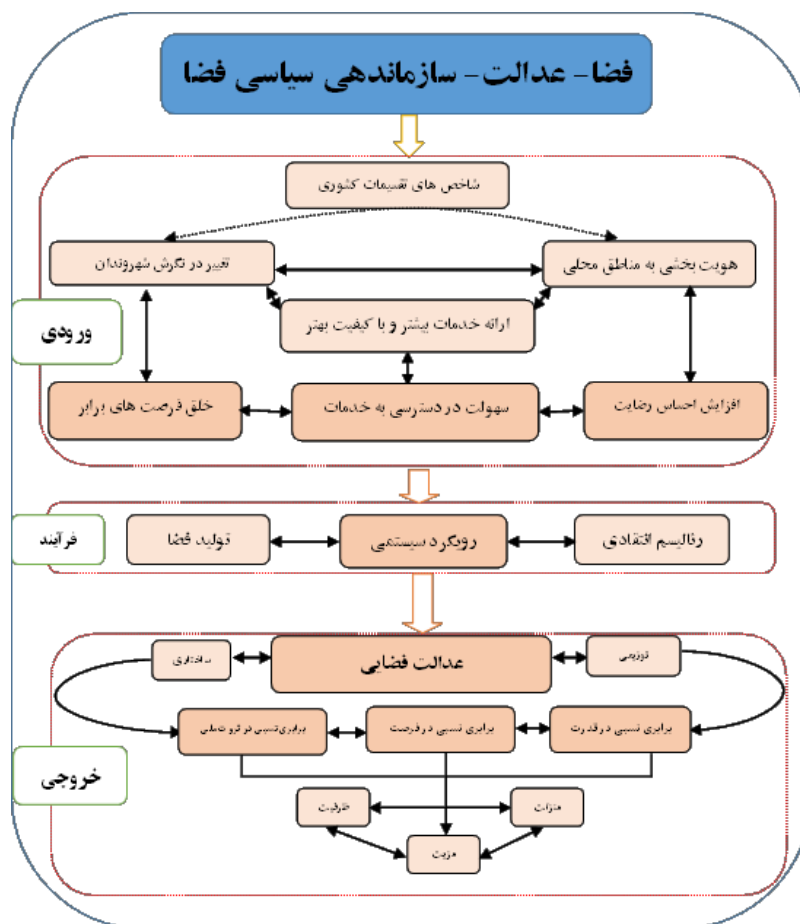
انسان‌ها با توجه به نیازهای اجتماعی خویش فضای زندگی خود را سازماندهی می‌کنند. تولید فضا در دوره‌های تاریخی متأثر از تفاوت پیش‌ران‌ها، متفاوت بوده است زیرا که تغییر بازیگران،

فضا به مثابه یک عرصه سه بعدی و متأثر از فرآیندها و مکانیسم‌های متعددی، تولید و سازمان می‌یابد. به عقیده لوفور

اثرگذاری سازماندهی سیاسی فضا و به‌ویژه تقسیمات کشوری در دستیابی به عدالت فضایی را فراهم می‌کند. بر این مبنا ارتقای سطوح سیاسی مبتنی بر نیازهای جامعه و در راستای تمرکززدایی باشد. تمرکززدایی که هدف هر نوع تقسیمات کشوری است از طریق هویت بخشی به مناطق، تغییر در نگرش شهروندان، ارائه خدمات بیشتر و با کیفیت بهتر، افزایش احساس رضایت، سهولت در دسترسی به خدمات و خلق فرصت‌های برابر افزایش اختیارات و قدرت تصمیم‌گیری، افزایش اعتبارات، اعطای مسئولیت‌ها و دموکراسی محلی به عنوان بستر و مکانیزمی می‌تواند زمینه‌های رسیدن به عدالت و عدالت فضایی را فراهم آورد.

عملکردها، موقعیت‌ها، شیوه معیشت و..... باعث تغییر در ساماندهی فضا می‌شود. از آنجا که سازماندهی سیاسی فضا چارچوب و استخوان بندی سرزمینی یک کشور به‌عنوان بستر برای تامین عدالت و عدالت فضایی/ جغرافیایی در تمامی مناطق کشور می‌باشد لازمه چنین بستری، نگاه همه جانبه و سیستماتیک به مقوله سازماندهی سیاسی فضا، شاخص‌ها و عوامل آن می‌باشد. رویکرد سیستمی به ما کمک خواهد کرد که تمامی اجزا موثر در فرآیند تولید و سازماندهی سیاسی فضا را در غالب ورودی، پردازش‌ها و خروجی‌ها دیده شود. رئالیسم انتقادی به‌عنوان یک شیوه فکری با توجه به زمینه‌ها و ریشه‌ها یعنی لایه‌های زیرین، یعنی جهان واقعی زمینه پردازش و تبیین

شکل ۲: مدل نظری رابطه سازماندهی سیاسی فضا و عدالت فضایی



شهروندان دسترسی مناسبی به این تسهیلات داشته باشند و همچنین عدالت فضایی از طریق مکانیسم سازماندهی فضا یا برنامه ریزی فضایی، به توسعه متوازن مکان و فضای جغرافیایی

رسالت سازماندهی سیاسی فضا، نیل به عدالت فضایی می‌باشد. عدالت فضایی کمک شایانی به توزیع بهینه امکانات و خدمات مورد نیاز شهروندان می‌کند، به‌طوری که همه

سهم نویسندگان/منابع مالی و حمایت‌ها: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

منابع:

۱. احمدی پور، زهرا و دیگران. (۱۳۹۵). بررسی نقش تقسیمات کشوری در توسعه ناحیه‌ای (مطالعه موردی: شهرستان‌های بوانات و خرم‌بید). فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوازدهم، شماره اول، ص ۸۲-۶۰.
۲. احمدی پور، زهرا؛ کرمی، قاسم؛ قنبری، قاسم. (۱۳۹۱). سازماندهی سیاسی فضا. انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران.
۳. اطهری، کمال. (۱۳۸۰). عدالت در فضا. ماهنامه هفت شهر، سال سوم، شماره ۹ و ۱۰، ص ۳۲-۲۵.
۴. بوریس، مری. (۱۳۷۵). تاریخ کیش زرتشت. ترجمه همایون صنعتی زاده، طوس، تهران.
۵. پورموسوی، سید موسی؛ میرزاده کوهشاهی، مهدی؛ رهنما قره خانگللو، جهانبخش. (۱۳۸۷). سازماندهی سیاسی فضا و نواحی فرهنگی و کارکردی در ایران. فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره سوم، ص ۷۵-۱۰۱.
۶. حاتمی نژاد، حسین؛ راستی، عمران. (۱۳۸۵). عدالت اجتماعی و عدالت فضایی؛ بررسی و مقایسه نظریات جان رالز و دیوید هاروی. فصلنامه جغرافیایی علمی- پژوهشی سرزمین، سال سوم، شماره ۹، ص ۵۰-۳۸۰.
۷. حافظ نیا، محمد رضا و قادری حاجت، مصطفی. (۱۳۹۷). تدوین راهکارهای دستیابی به عدالت فضایی/ جغرافیایی در ایران. رساله فوق دکترا، دانشگاه تربیت مدرس تهران، ایران.
۸. حافظ نیا، محمدرضا؛ کاویانی راد، مراد. (۱۳۹۶). فلسفه جغرافیای سیاسی. انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
۹. حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۹۵). جغرافیای سیاسی ایران. انتشارات سمت، تهران.
۱۰. حافظ نیا، محمدرضا و دیگران. (۱۳۹۴). طراحی الگوی سنجش عدالت فضایی (مطالعه موردی: ایران). فصلنامه

منجر شده و موجبات رضایت شهروندان و اعتماد آنها را به سازه مدیریت و سیستم سیاسی مربوطه را فراهم می‌کند و این امر تحقق پیدا نخواهد شد مگر با توزیع قدرت و اختیارات تصمیم‌گیری و در این راه سازماندهی سیاسی فضا نقش اصلی را بر عهده دارد. در واقع گام عملی در راستای مدیریت و رسیدن به عدالت فضایی از طریق سیاست تمرکز زدایی تحقق پیدا می‌کند. تمرکز زدایی نیز تقسیم سرزمین کشور به مناطق کوچکتر و تخصیص قدرت اداری و قضایی به آنها است.

در این راستا سازماندهی سیاسی فضا به‌عنوان فرایند و ساختار، عدالت فضایی به‌عنوان فرم و بستر همواره با هم رابطه تعاملی دارند. اصول و معیارهای اصلی سازماندهی سیاسی فضا را می‌توان در مباحثی چون افزایش احساس رضایت، زمینه‌ها و بسترهای مناسبی برای ارائه خدمات بیشتر و با کیفیت بهتر، سهولت در دسترسی به خدمات و خلق فرصت‌های برابر، مشارکت نهادینه و مستمر مردم فراهم نموده و در عین حال آزادی عمل فردی را در تمام فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مهیا نماید و شاخص‌های سازماندهی نیز به این صورت است، پایداری محیط زیست، توسعه اجتماعی و فرهنگی، توسعه اقتصادی و زیربنایی، مدیریتی و اداری است و همچنین اصول و معیارهای اصلی عدالت فضایی را می‌توان در مباحثی چون آزادی، احترام به تفاوت‌ها، مشارکت، دسترسی برابر، برابری فرصت، برابری قدرت و برابری ثروت است. شاخص‌های عدالت فضایی بدین شرح است: توسعه اقتصادی، توسعه کالبدی- زیربنایی، توسعه اجتماعی، توسعه آموزشی، توسعه فرهنگی، توسعه سیاسی، توسعه امنیتی و توسعه بهداشتی. در نتیجه با نظر داشتن اصول و رویکردهای سازماندهی سیاسی فضا و عدالت فضایی می‌توان ادعا کرد که ارتباط از نوع تعاملی است.

تشکر و قدردانی: نویسندگان مقاله بر خود لازم می‌دانند از

معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس به پاس حمایت‌های مادی و معنوی در راستای انجام پایان‌نامه کارشناسی ارشد که مقاله حاضر مستخرج از آن می‌باشد مراتب قدر دانی را داشته باشند.

تاییدیه‌های اخلاقی، تعارض منافع: موردی از سوی

نویسندگان گزارش نشده است.

۲۰. فرید یحیایی، علی. (۱۳۹۹). کارایی اقتصادی، عدالت اجتماعی، رفتار اخلاقی. ماهنامه کوچه جمعیت خیریه غدیر، سال ششم، شماره سی و سوم.
۲۱. قادری حاجت، مصطفی. (۱۳۹۳). طراحی الگوی سنجش عدالت فضایی در کشورها (مطالعه موردی ایران). رساله دکترا رشته جغرافیای سیاسی به راهنمایی محمدرضا حافظ نیا دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۲۲. قانون تقسیمات کشوری. (۱۳۹۲). وزارت کشور، دفتر تقسیمات کشوری.
۲۳. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۹). مجموعه مقالات گامی به سوی عدالت. انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران.
۲۴. کریمی پور، یداله و عارف، محمدرضا. (۱۳۹۵). نقش سازماندهی سیاسی فضا در توسعه متوازن منطقه‌ای (مورد مطالعه: بندر چابهار). نهمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران و اولین همایش انجمن جغرافیا و برنامه ریزی مناطق مرزی ایران، زاهدان.
- <https://civilica.com/doc/733525>
۲۵. متقی، افشین؛ عبدالله پور، محمدرضا. (۱۳۹۸). نگرشی نو به ژئوپلیتیک خاورمیانه (بنیان‌ها، نظریه‌ها و کنشگران). انتشارات انجمن ژئوپلیتیک ایران، تهران.
۲۶. معین، محمد. (۱۳۷۱). فرهنگ معین جلد ۲، چاپ هشتم، انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم.
۲۷. میرشکاران، یحیی. (۱۳۸۶). تحلیل عوامل موثر بر ناپایداری مرزهای تقسیمات کشوری ایران پس از انقلاب اسلامی (سطح شهرستان). پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی به راهنمایی زهرا احمدی پور، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۲۸. مومنی، حسن. (۱۳۹۷). شرح واژگان علم جغرافیا در روابط روستایی- شهری. جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۱، شماره ۳، ص ۱-۳۱.
۲۹. هاروی، دیوید. (۱۳۹۵). فضا به سان یک کلیدواژه. ترجمه نرگس خالصی مقدم، فضا و دیالکتیک، ص ۱۹-۱.
30. Elden, Stuart. (2009). Space, International Encyclopedia of Human Geography. 262-267.
31. Soja, Edward W. (1970). The Political Organization of Space. Association of
- برنامه ریزی و آمایش فضا، دوره نوزدهم، شماره ۱، ص ۳۳-۵۲.
۱۱. حافظ نیا، محمدرضا و قادری حاجت، مصطفی. (۱۴۰۰). عدالت فضایی/ عدالت جغرافیایی ابعاد نظری و کاربردی. انتشارات سمت در دست چاپ، تهران.
۱۲. خیابانی، مریم. (۱۳۹۹). در باب شهر عدالت محور. ماهنامه کوچه جمعیت خیریه غدیر، سال ششم، شماره سی و سوم.
۱۳. داداش پور، هاشم و الوندی پور، نینا. (۱۳۹۵). عدالت فضایی در مقیاس شهری در ایران. نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، دوره ۲۱، شماره ۳، ص ۸۰-۶۷.
۱۴. رفیعیان، مجتبی؛ قاسمی، ایرج؛ نوذری، ایرج. (۱۳۹۸). صورت بندی جدید از مفهوم گفتمان عدالت فضایی چارچوبی برای تحلیل شهر تهران. ماهنامه دانش شهرسازی، دوره دوم، شماره دوم، ص ۴۴-۲۱.
۱۵. رهنما، محمد رحیم؛ احمدی پور، زهرا. (۱۳۸۲). درجه بندی نظام تقسیمات کشوری. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۰ و ۶۹، ص ۴۸-۳۵.
۱۶. سعیدی، عباس. (۱۳۹۱). مفاهیم بنیادین در برنامه ریزی کالبدی- فضایی (بخش نخست). فصلنامه برنامه ریزی کالبدی- فضایی، سال اول، شماره اول، ص ۲۶-۹.
۱۷. سوجا، ادوارد. (۱۳۹۶). دیالکتیک اجتماعی- فضایی. ترجمه نرگس خالصی مقدم، فضا و دیالکتیک، شماره ۳.
۱۸. عاملی، عاطفه. (۱۳۸۲). تعیین مرکزیت واحدهای اداری- سیاسی براساس تحلیل همگنی شرایط اجتماعی و دسترسی‌ها با استفاده از سنجش از دور و GIS (مطالعه موردی: کرج). پایان نامه کارشناسی ارشد رشته سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی به راهنمایی زهرا احمدی پور، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۱۹. فرجی راد، خدر؛ کاظمیان، غلامرضا؛ رکن الدین افتخاری، عبدالرضا. (۱۳۹۲). آسیب شناسی سیاست‌های توسعه منطقه‌ای در ایران از دیدگاه رویکرد نهادی. ماهنامه فرایند مدیریت و توسعه، دوره ۲۶، شماره ۲، ص ۵۸-۲۷.

- Justice and Land Tenure Security for Poor and Low Income Urban. Dwellers, Land, 1-34.
34. Williams, Justin. (2013). Toward a Theory of Spatial Justice. Paper Presented at the Annual Meeting of the Western Political Science Association Los Angeles, C.A, 1-24.
- American Geographers. Commission on college geography Washington, D.c. 2003.
32. Soja, Edward W. (2008). The City and Spatial Justice. Paper Prepared for Presentation at the Conference Spatial Justice. Nanterre, Paris, March 12-14, 2008. www.jssj.org.
33. Uwayezu, Ernest. de Vries, Walter T. (2018). Indicators for Measuring Spatial